

وطن غریب

● وطن غریب است

● آيسان

● طراح: Saorsa



اطلاعات اثر

دسته بندی: داستانک

عنوان: وطن غریب است

نویسنده: آيسان

ژانر: اجتماعی، تراژدی

انتشارات : کافه نویسندگان

شناسنامه‌ی اثر

سطح اثر: محبوب

ناظر: تیم نظارت کافه نویسندگان

ویراستار: DANI

طراح: Saorsa

کیپیست: ژولیت



cafewriters.xyz

دیباچه:

آنها دفاع می کنند تا شاید بتوانند در صلح و آرامش زندگی کنند.

اولین خبر صبح این بود:

« بیمارستان المعمدانی بمباران شد.»

باور نمی کردم این خبر حقیقت باشد.

طی سال‌ها که برای جنگ خبر تهیه می کردم هر روز اتفاقات وحشتناک زیادی را با چشمان چهل و هشت ساله خود دیده بودم؛ اما باور این قضیه برایم سخت بود که مگر می شود به همین راحتی چنین جنایت جنگی بزرگی انجام شود! بدون آنکه لباسم را عوض کنم تک و تنها از پناهگاه خارج شدم. صدای ضربان قلبم و اضطرابی که از تصور بیمارستان بر تمام وجودم نشسته بود داشت جانم را می گرفت.

به طرف بیمارستان المعمدانی رفتم. در راه چشمم که بر خرابه‌های خانه‌ها می افتاد با خود فکر می کردم یعنی چه کسانی در این خانه‌ها زندگی می کردند و با چه آرزوها و امیدهایی این خانه‌ها را بنا کرده بودند؟

چه کسانی در این خانه‌ها متولد شده‌اند؟

چه کسانی در این خانه‌ها عروس و داماد شده‌اند؟

و کلی سوال دیگر که پشت دروازه ذهنم لشکر کشیده بودند و من هیچ جوابی برای آنها نداشتم.

در طی مسیر هیچ چیز جز خرابی و ویرانی نمی دیدم، حتی آسمان هم از دود موشک‌ها رنگ آمیزی شده بود.

ده قدمی مانده بود که به بیمارستان برسم که صدای شیون زنان و گریه‌های بی‌صدای مردها از جلوی چشمانم مانند فیلم می‌گذشت.

و اما آنجا...

اما آنچه که من دیدم بیمارستان نبود، قتلگاه یا شایدم خونینگاه مظلومان بود. مردی را دیدم که تنها، پسر سیزده ساله‌اش را در ب*غل گرفته بود و در گوش پسر شهیدش با صدای کمی بلند می‌گفت:

- تو برای من مثل وطنی به زیباییِ یوسف و اندوه پدرش که بسیار از آن دور افتاده شدی.

زورت به زندگی نرسید؛ اما صدایت به آسمان رسید، دیگر شب‌ها کابوس صدای هواپیماهای جنگی بالای خانه را نخواهی شنید.

همانجا بود که یاد یک جمله‌ای از غسان کنفانی افتادم که می‌گفت:

- کاش بچه‌ها نمی‌مردند. کاش برای مدتی کوتاه به آسمان می‌رفتند و آنگاه که جنگ تمام شد سلامت به خانه باز می‌گشتند و وقتی پدر و مادرشان می‌پرسیدند کجا رفته بودید؟ می‌گفتند رفته بودیم با ابرها بازی کنیم.

پنج قدم آنورتر مادر و نوزادی که چند روزی بیشتر مهمان این جهان بودند را از زیر کوهی از ویرانی بیرون کشیدند.

ولی من می‌گویم، امید باید آخرین چیزی باشد که رفتنش را تماشا می‌کنیم؛ اما دیدم امیدی را که برای ماندنش جان دخترکی جوان را داشت می‌گرفت.

دخترک جوانی که در بین خرابه‌ها و خون‌ها و اجساد تکه‌تکه شده به دنبال همسر پزشکش می‌گشت و زمانی که فقط یک ساعت از تمام معشوقش یافت، ساعت را به قلبش فشرد و روی خرابه‌ها نشست و درحالی که گلوله‌های اشک صورتش را نوازش می‌کردند زمزمه کرد:

- تو در میان همه چیزهای تلخ یک حبه قند هستی.

آنجا بود که فهمیدم، حتی یک ساعت هم از مع*شوق سبب ادامه عاشقی می‌شود.

چند قدمی جلوتر رفتم و دخترانی را دیدم که آنقدر کوچک بودند که نمی‌توانستند به دنبال پدر قهرمان خود بگردند؛ اما روی خرابه‌های بیمارستان به انتظار پدر نشسته بودند و با چشمان ترسان و صورت‌های زخمی و دل‌های شکسته برای وطن پاره‌پاره، شعر می‌خواندند.

نزدیکشان رفتم و لبخندی زدم.

لبخند نمی‌توانست روی لبانم بنشیند؛ ولی به هر طریقی بود خودش را روی لبانم حل کرد، اما بی‌حس و بی‌روح بود.

بدون آنکه چیزی بگویم دخترک شش ساله با موهای آشفته مشکی و زخم‌هایی که روی پوست سفید صورتش نشسته بودند با لهجه عربی شیرینش پرسید:

- جنگ چیه؟ چه کسی درستش کرده؟

دوست داشتم بگویم جنگ کشتارگاه کسانی است که همدیگر را نمی‌شناسند و به نفع کسانی است که همدیگر را می‌شناسند؛ ولی نمی‌کشند است.

این حجم از واژه‌های قلمبه سلمبه برای یک کودک شش ساله زیاد بود.

او را در آغو*ش کشیدم و گفتم:

-جنگ دعوی بین بزرگ‌ترهاست.

دخترک با چشمان مشکی درشتش خیره شد به من و گفت:

- پس چرا بچه‌ها می‌میرند؟

جوابی نداشتم که بدهم، دخترک را بو*سیدم و از آنجا بلند شدم و از حجم خجالتی که از چشمان معصوم دخترک می‌کشیدم آن‌جا را ترک کردم.

عقب‌گرد کردم تا به طرف پناهگاه بروم و دوربین و وسایل خود را بیاورم.

دیدم چند خبر نگار دیگر ایستاده‌اند و از پیرزنی که محکم ایستاده بود و فریاد می‌زد فیلم می‌گرفتند.

- ما با خونمان دیگران را نیز به حق خواهی مظلوم دچار می‌کنیم تا این ویروس مقدس همه‌ی دنیا را بگیرد. جوانان ما در میدان نبرد با دشمن به زمین می‌افتند تا بر روی زمین‌هایمان گل‌های پیروزی برویند. ای مردم جهان، رویاها در خاک‌های امیدوار بهتر رشد می‌کنند، پس زندگی می‌کنیم برای رویاهایی که ما را ب*غل نکردند؛ ولی قرار است واقعی شوند.

من کسانی را دیدم که این‌گونه در ویرانه‌های جنگ به دنبال زندگی و عشق بودند و در حسرت زندگی‌ها و رویاهایی بودند که نیست می‌شدند.

جنگ پایان خواهد یافت؛ ولی باقی می‌ماند آن مادر پیری که چشم به راه فرزند شهیدش است و آن دختر جوانی که منتظر مع*شوق خویش است و فرزندی که به انتظار پدر قهرمانشان منتظر نشسته‌اند.

نمی‌دانم چه کسی فلسطین را پاره پاره کرد؛ اما دیدم چه کسانی زیر آوارهای زندگیشان دفن شدند.

کافه نویسندگان انتشارات دیجیتال کتاب متنی و صوتی

اگر تصمیم دارید کتابتان را چاپ کنید یا به تازگی اثری را شروع کنید و آن را به چاپ برسانید، به مجموعه کافه نویسندگان بپیوندید

✓ نقد و نظارت و راهنمایی رایگان

کافه نویسندگان در راستای نگارش اثری مطلوب به شما یاری می دهد و از ابتدای نگارش یک اثر تا انتهای آن همراه شما خواهد بود. اثر شما در انجمن ما به طور رایگان نقد می شود و شما می توانید با کمک از نقد خود، اثرتان را ویرایش کنید و ایراد هارا اصلاح کنید و به این صورت سطح اثرتان را بالا ببرید و شانس بیشتری برای چاپ داشته باشید.

✓ ویراستاری رایگان

اثر شما به صورت رایگان از نظر نگارشی ویرایش می شود و رعایت علائم نگارشی و نکات ویراستاری برای شما یک امتیاز مثبت محسوب می شود.

✓ برگزاری ورکشاپ و کارگاه های آموزشی آنلاین به صورت رایگان در انجمن

نویسندگی کافه نویسندگان

شما می توانید به صورت کاملا رایگان در کارگاه های آموزشی با سرفصل های متنوع شرکت کنید و شرکت برای عموم آزاد است، شما می توانید حتی از 0 شروع کنید و در انجمن کافه نویسندگان آموزش ببینید و اثرتان را به چاپ برسانید.

✓ مشاوره های رایگان

ما برای تمام مراحل از نگارش کتاب تا چاپ و تولید آن به صورت رایگان به شما مشاوره خواهیم داد. ما با مشاوره سعی خواهیم کرد بهترین نتیجه را از اثر خود بگیرید.

✓ در کافه نویسندگان هرگز دلسرد نخواهید شد!

اگر اثر شما جهت چاپ تایید نشود، کتاب شما به صورت رسمی در سایت اصلی به صورت دیجیتال منتشر خواهد شد. خبر خوب این است که می توانید نسخه ی فروشی با قیمت توافقی خودتان را هم در فروشگاه اینترنتی کافه نویسندگان انتشار دهید و به آسانی فروش اثر خود را کنترل کنید.

✓ نیازی به پرداخت هزینه ی بالای کاغذ ندارید.

با توجه به هزینه ی بالای کاغذ و چاپ، انتشار الکترونیک بهترین گزینه است اما ما در کنار انتشار الکترونیک، چاپ رایگان هم برای شما عزیزان خواهیم داشت.

فکر آن که خودتان برای چاپ کتاب خرج کنید را از سرتان بیرون کنید، چرا که انتشاراتی که به هزینه ی نویسنده اثری را چاپ می کنند منجر به فروش نرسیدن آثار

و جمع آوری کتاب ها در انباری و ضرر و زیان می شود، ما با مشاوره و راهنمایی سعی می کنیم همه چیز به نفع شما تمام شود و در کافه نویسندگان ریسکی نخواهید کرد.

✓ اعتماد و اطمینان

اثر شما در انجمن ما محفوظ می باشد و اگر اثری را به ما می سپارید دست ما امانت است، انجمن کافه نویسندگان به تمامی حقوق نویسنده احترام می گذارد و آنان را رعایت می کند. توجه داشته باشید که سودجویان از آثار شما سو استفاده نکنند که سارقان ادبی نیز کم نیستند اما خوشبختانه در کافه نویسندگان می توانید اثرتان را با خیال راحت به دست ما بسپارید تا با اسم خودتان چاپ یا منتشر شود.

✓ مجوز رسمی از فرهنگ وزارت ارشاد اسلامی

تمامی فعالیت های مجموعه کافه نویسندگان به صورت قانونی و زیر نظر وزارت ارشاد اسلامی صورت می گیرد.

✓ می توانید استعلام بگیرید!

در صفحه ی اصلی سایت و فروشگاه، قسمت پایین صفحه می توانید با کلیک بر روی نماد ها، استعلام معتبر بودن مجوز هارا مشاهده کنید.

✓ قرار داد با بهترین ناشران

ما با بهترین ناشران و معتبر ترین های کشور جهت چاپ رایگان آثار شما قرار داد بسته ایم. ما آثارتان را جهت چاپ برای انتشاراتی ها ارسال می کنیم و در راستای بهترین نتیجه و به ثمر رساندن تلاش هایتان همراه شما خواهیم بود.

✓ ما با توجه به نوع اثر و ژانر و محتوا، طبق شناخت انتشاراتی را جهت چاپ انتخاب می کنیم که با توجه به موارد ذکر شده شانس بیشتری داشته باشید، برای مثال یک انتشارات بیشتر رمان های اجتماعی چاپ می کند، اگر اثر شما اجتماعی بود اثرتان را به آن انتشارات ارسال می کنیم.

✓ نویسندگی و چاپ در تمام زمینه ها

فعالیت انجمن نویسندگی ما محدود به رمان دلنوشته و شعر نیست بلکه کتاب های علمی ادبی، دینی، روانشناسی، داستانی، خودیاری، سفرنامه، خاطره نویسی، زندگینامه، داستان های کودکان و... تمامی زمینه های نویسندگی و کتاب فعالیت دارد.

"کافه نویسندگان بهترین گزینه برای به ثمر رساندن تلاش هایتان"

کافه نویسندگان به طور قانونی آثار نویسندگان را انتشار می دهد.

در صورت تمایل به انتشار هر گونه اثر در مجموعه کافه نویسندگان به صورت متنی یا صوتی، با ما در ارتباط باشید.

شما می توانید اثر خود را به ایمیل پشتیبان ارسال کنید تا پس از بررسی های لازم منتشر شود.

www.cafewriters.xyz


[/https://forum.cafewriters.xyz](https://forum.cafewriters.xyz) : انجمن 

[/https://www.cafewriters.xyz](https://www.cafewriters.xyz) : وبسایت 

@cafewriters.xyz : اینستاگرام 

support@cafewriters.xyz : ایمیل پشتیبانی 

ID: @cafewriters_xyz 

09918895560 

پایان...